

مرد عود نواز A Man playing a Lute

محسن شهرنازدار

نقاشی بخصوص تا قبل از پیدایی عکاسی، سند مهمی از شناخت محیط انسانی برای پژوهندگان تاریخ، علوم انسانی و اجتماعی به دست می دهد. در این کارکرد، نقاشی نه به عنوان یک اثر هنری بلکه به عنوان یک سند تاریخی مورد توجه است. در موسیقی شناسی نیز، آثار نقاشی از منظر ایکونوگرافی و اسنادی و استنادی کاربرد دارد و در شناسایی ژستوال، تکنیک و تغییر و تکامل سازها نقش مهمی ایفا می کند.

در گروه صدا و موسیقی انسان شناسی و فرهنگ، قصد داریم نگاهی مختصر به موسیقی و ساز در آثار نقاشی کلاسیک بیاندازیم و آثاری را در این باره معرفی کنیم. این نگاه و معرفی را با آثار نقاشی موجود در موزه ملی نقاشی در لندن (نشنال گالری) آغاز می کنیم. نشنال گالری در میدان ترافالگار لندن واقع شده و گنجینه ای از آثار ملی نقاشی اروپای غربی در حفاصل قرن ۱۳ تا ۱۹ میلادی را در اختیار دارد.

مرد عود نواز A Man playing a Lute

اثر: هندریک بروگن ۱۶۲۴ Hendrick ter Brugghen

هندریک بروگن نقاش هلندی و از پیروان نقاش ایتالیایی میکل آنجلو مریسی دا کاراواجیو (Caravaggio) در اواخر قرن شانزده و اوایل قرن هفده میلادی بوده است. او متولد اوترخت از شهرهای فرهنگی هلند است. در کودکی به رم رفت و شاگرد کاراواجیو شد و در نهایت در سال ۱۶۱۵ به اوترخت بازگشت و تا پایان عمر در آنجا ماند. خصوصیت بارز آثار رنگ و روغن بروگن استفاده نرم و آهسته از رنگ در فضاهایی به ظاهر رنگ پریده و در عین حال پرتراوت است. تم اصلی آثار او را موضوعات اساطیری و مذهبی و نیز ادبی تشکیل داده و عموم آثار او بازنمایی فضاهای داخلی و بخصوص پرتره است. (The National Gallery) نور در آثار او عموماً در پس زمینه سوژها و پرسناژها تابیده شده و به آثار او امضای معینی داده است که از اتصال او به مکتب کاراواجیو حکایت دارد.

در اثر مرد عود نواز، بروگن نوازنده ای را با لباس های پر زرق و برق گوتیک به تصویر کشیده که در حال نواختن لوت و آواز خواندن است. سبک بروگن در پرداخت به نوازنده عود، متأثر از نقاشی های کاراواجیو است که عود نوازان رومی را نشان می دهد.

واژه لوت تلفظ لاتین عود عربی است که خود از واژه رود فارسی که اشاره به وتر ساز دارد مشتق شده است. بر این فرضیه، تحقیقات ایکهار نویباور (Eckhard Neubauer) محقق تاریخ موسیقی در موسسه تاریخ علم عربی و اسلامی دانشگاه گوتته فرانکفورت، صحنه می گذارد. در عین حال لوت نامی عمومی برای اطلاق به سازهای زهی مضرابی باستانی است که در دو تقسیم بندی کلی لوت دسته کوتاه و لوت دسته بلند از یکدیگر تفکیک می شود و مادر تمامی سازهای زهی مضرابی جهان است. ریشه این ساز به تمدن های میان رودان و تمدن عیلامی ایران باستان می رسد. در تمدن عیلامی در برابر چنگ به عنوان ساز رسمی آیین های

درباری، لوط دسته بلند کارکردهای مذهبی و آیینی داشته است. (شهرنازدار: ۱۳۹۰) اما عود به معنای امروزی آن که اتفاقاً با ساز نوازنده اثر بروگن شباهت ظاهری دارد، یکی از گونه های تکامل یافته لوت باستانی است که ابتدا در مشرق زمین و از قرون وسطی به موسیقی مغرب راه یافته است. و گرچه در کشورهای عربی امروزه ساز اصلی اجرای رپرتوار است، با این حال در صدر اسلام این ساز با عنوان عود فارسی با اشاره به ماخذ آن شناخته می شده است. در الاغانی اثر ابوالفرج اصفهانی، انتقال این ساز از ایران به بلاد اعراب را اینگونه توصیف کرده است «عبدالله ابن زبیر، جمعی از ایرانیان را به مکه دعوت کرده بود تا خانه کعبه را تعمیر کنند. دیوارگران ایرانی عود می زدند و اهل مکه از ساز و موسیقی ایشان لذت می بردند و آن را تحسین می کردند، ابن سریح پس به عود زدن پرداخت و در این صنعت سرآمد هنرمندان زمان گشت» (اصفهانی: ۱۳۶۸) تشریح شمایل عود به شکلی که امروزه می شناسیم، در ۲۵۲ قمری توسط الکندی نوشته شده است. (مسعودیه: ۱۸۲: ۱۳۸۳) در ایران قدیم عود را با نام بریط می شناختند و در کهنترین رسالات فارسی نظیر درخت آسوریک، بندش، خسرو قبادیان و ریدک در قبل از اسلام، و در تمامی رسالات موسیقی بعد اسلام نظیر آثار فارابی، ابن سینا، صفی الدین ارموی و عبدالقادر مراغی از این ساز یاد شده و تصاویری از آن باقی مانده است. (عالی نژاد: ۶۹: ۱۳۷۶) این ساز رفته رفته به حوزه های فراتر از تمدن ایران نیز نفوذ کرد و تا قلب اروپای غربی پیش رفت. به گونه ای که ساز گیتار را تغییر یافته عود می دانند و امروزه در اندلس، ساز گیتار، دقیقاً مشابه عود فارسی است. (کینز- اولسن: ۵۳: ۱۳۷۳) به نظر می رسد با گسترش قلمرو امپراتوری اسلامی، و نفوذ اسلام تا اسپانیا، ساز عود به اروپا رفت و در آنجا با موسیقی مردمی و پس از آن موسیقی کلاسیک، ممزوج شد. این ساز در مشرق زمین نیز بخصوص در هند با نام سارود رواج دارد که نامی فارسی است.

با این حال روشن است که ساز لوت یا همان عود در نقاشی بروگن مربوط به حضور این ساز در اروپا است که از قرون وسطی و نیز عصر نوزایی رنسانس تا دوران باروک، ساز رایج در اروپای غربی بخصوص در موسیقی مردمی بوده است. همچنین لوت ساز اصلی موسیقی سکولار بوده که در دوران پس از رنسانس گسترش یافته است. موسیقی سکولار با پایان تسلط کلیسا بر موسیقی، حضور پررنگی در عرصه عمومی یافت و به وجوه مختلف اجتماعی مردم در قالب طنز و درام و سیاست و عشق می پرداخت. همین خصوصیت است که به آواز جنبه عمومی می دهد و با تکیه بر کلام در موسیقی سکولار، خواننده های مردمی فراوانی را به وجود می آورد. در نقاشی بروگن نوازنده، همزمان آواز نیز می خواند و این مشخصاً خصلت نوازندگان این نوع موسیقی در آن زمان بوده است. نوازنده در نقاشی بروگن به نظر می رسد که مضراب ندارد و با ناخن دست راست می نوازد. اما عود در مشرق زمین با مضراب نواخته می شود. مضراب عموماً بر پرندگان بوده و امروزه جای خود را به پلاستیک داده است. ژستوال نوازنده در نقاشی بروگن که دسته ساز را بالاتر از وضعیت کلاسیک آن قرار داده، بر مردمی بودن نوع موسیقی و آواز مورد نظر بروگن تاکید دارد.

پی نوشت:

- ۱- <http://www.nationalgallery.org.uk>
- ۲- اصفهانی، ابوالفرج، برگزیده الاغانی، ترجمه: محمد حسین مشایخ فریدونی، چاپ اول، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۸
- ۳- جن کینز، جین- راوسینگ اولسن، پل، موسیقی و ساز در سرزمین های اسلامی، ترجمه بهروز وجدانی، میراث فرهنگی، ۱۳۷۳
- ۴- شهرنازدار، محسن، سازشناسی و سازهای اقوام ایرانی، ۴، پایگاه موسسه انسان شناسی و فرهنگ، ۱۳۹۰
- ۵- مسعودیه، محمد تقی، سازهای ایران، انتشارات زرین و سیمین، ۱۳۸۴
- ۶- عالی نژاد، سیدخلیل، تنبور از دیرباز تا کنون، انتشارات دانش و فن، ۱۳۷۶

- اگر دیدگاهی درباره گروه صدا و موسیقی در پایگاه انسان شناسی و فرهنگ دارید و یا مایل به همکاری با این گروه هستید، با مدیر گروه به آدرس shahrnazdar@yahoo.com تماس بگیرید.